**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**فهرست مطالب:**

[قاعده تعزیر 2](#_Toc428282379)

[مرور بحث سابق 2](#_Toc428282380)

[اشکال به‌احتمال سوم 2](#_Toc428282381)

[انواع عمومات 3](#_Toc428282382)

[آراء در این مسئله 3](#_Toc428282383)

[تطبیق بحث 4](#_Toc428282384)

[میزان اجمال در این مقام 4](#_Toc428282385)

[اشکال آقای تبریزی 5](#_Toc428282386)

[پاسخ از این اشکال 5](#_Toc428282387)

[احتمال دیگر در این روایات 5](#_Toc428282388)

# قاعده تعزیر

# مرور بحث سابق

بحث در این بود که در هر معصیتی تعزیر ثابت است یا ثابت نیست؟ اقوال ذکر شد و به مستندات اصل آن قاعده و حکم کلی پرداختیم. دلیل اول را ذکر کردیم، دلیل دوم مجموعه‌ای از روایات بود که در قبال آن سه احتمال وجود داشت و موردبررسی قرار گرفت.

درواقع استدلال به این احادیث هم در کتب قدما و هم در تحریر مطرح‌شده است، یک احتمال در قبال معنای حد این بود که آن را به معنای لغوی و به معنی مقدار بگیریم. احتمال دوم این بود که مراد از آن حد به معنی خاص است. احتمال اول رد شد و در مورد احتمال دوم گفته شد که خلاف ظاهر است. چراکه موجب استهجانی در کلام می‌شود.

و احتمال سوم این بود که حد در صدر روایت به معنای قانون و مقررات الهی باشد و معنای صدر روایت این می‌شود که خداوند مقررات مشخصی قرار داده است.

## اشکال به‌احتمال سوم

این اشکال از جانب آقای تبریزی ایرادشده است، مبنی بر اینکه؛

اگر حد را به معنای قانون و مقررات الهی بگیریم، مطلق قوانین و مقررات نیست. بلکه قوانین بازدارنده است. قوانینی که در آن الزام است؛ محرمات و واجبات که خلاف آن موجب عقابی و مجازاتی می‌شود. برخلاف سه حکم غیر الزامی دیگر.

قطعاً این‌طور نیست که در همه‌جا قوانین الزامی داشته باشیم. لذا باید کل شیء را مقید کرده کنیم چراکه با آن شمول نمی‌تواند مورد تمسک قرار گیرد. اما از این شمول می‌توان درجه‌ای تنزل نمود و به‌احتمال میانه‌ای رسید که آقای تبریزی مطرح نموده‌اند.

آقای تبریزی قولشان این است؛ گناهانی که نوعی اختلال نظام در جامعه ایجاد می‌کند، آن‌ها تعزیر دارد. استدلال ما در اینجا زمانی تمام می‌شود که بگوییم همه واجبات و محرمات را دربر می‌گیرد، یعنی به‌احتمال اول اخذ کنیم، اما طبق گفتار ایشان نمی‌شود به این احتمال دست‌یافت.

## انواع عمومات

در علم اصول بحثی مطرح است که مطلقات و عمومات اگر از اطلاق و عمومش خارج شود، درجات بعدی بر آن متصور است و بحث است که کدام از آن درجات را می‌شود طبق قاعده پذیرفت؟

عمومات و مطلقات به سه نحو است؛ عموماتی که قیدی بر آن وارد نشده است که آن‌ها به نحو کلی موردپذیرش قرار می‌گیرد. صورت دوم این است که مخصصات واضحی دارد. اما صورت سوم جایی است که در آن اجمال وجود دارد. در اینجا مقدار تقیید بر ما مشخص نیست و می‌دانیم عموم بر جای خود باقی نمانده است.

## آراء در این مسئله

این موارد در روایات به نحو زیادی وجود دارد، این فرض موردبحث و محل اختلاف است. دو نظر در این رابطه وجود دارد که پس از طرو این اجمال دیگر نمی‌توان ازلحاظ عقلایی و عرفی به اصالت اطلاق تمسک نمود. چراکه در موارد مشکوک نمی‌توان به اطلاق و عموم تمسک نمود.

## تطبیق بحث

نظری که مرحوم حضرت آقای تبریزی حفظه الله آوردند، چنین وضعیتی دارد. چراکه در اینجا حد با اجمال مواجه است که مقصود از آن چیست؟ در اینجا یقین داریم که در قبال همه امور الزامی وجود ندارد. در اینجا ممکن است بگوییم کل شیء همه مقررات واجب و مستحب را می‌گیرد و ممکن است همه مقررات واجب و حرام الزامی را دربر می‌گیرد که طبق این احتمال تعزیرات را هم دربر می‌گیرد.

اما از طرفی نیز می‌توان گفت که بخشی از الزامی‌ات را دربر نمی‌گیرد تنها بخشی را دربر می‌گیرد که در پی آن اختلال نظامی لازم آید یا موجب ایذاء مؤمن می‌شود.

## میزان اجمال در این مقام

ایشان می‌فرماید در اینجا جای اصالت عموم و اطلاق نیست. چراکه از قسم اول نیست که بتوانیم عمومش را قبول کنیم و بگوییم هیچ قیدی نخورده است. قطعاً کل شیء قید خورده است، چراکه همه قوانین الزامی نیستند. از قسم دوم نیز نیست که مقید آن امر روشن و خالی از ابهامی باشد. لذا از قسم سوم خواهد بود، اما سؤال این است که میزان تقیید آن چقدر بوده است؟

مقصود این است که دایره حدود شرعی را دربر می‌گیرد، منتها برای جلوگیری از استهجان می‌گویند علاوه بر واجبات و محرمات مواردی را که موجب اختلال نظام یا ایذاء می‌شود را دربر خواهد گرفت.

## اشکال آقای تبریزی

اشکالی است که حضرت آقای تبریزی حفظه الله در اینجا مطرح می‌کنند، اشکالی مبنایی است. اگر کسی این مبنای اصولی را قبول کند، طبعاً این اشکال وارد است.

## پاسخ از این اشکال

جوابی که در اینجا مطرح می‌کنیم، اشکالی مبنایی نیست، لذا می‌گوییم در اینجا احتمال دیگری نیز وجود دارد که بگوییم کل شیء تخصیصی نخورده است. یعنی می‌شود برای روایت معنایی را ارائه داد که تخصیصی لازم نیاید.

در اینجا یا منظور متعلقات اعمال یعنی اشیاء خارجی است یا اینکه مراد از شیء رفتار و اعمال انسان است. البته می‌توان گفت که هر دو را می‌گیرد، یعنی خداوند برای هر دو آن‌ها حد قرار داده است. طبق این احتمال کل شیء تنها به موارد الزامی خلاصه نمی‌شود، لذا مباح و موارد دیگر را دربر می‌گیرد.

### احتمال دیگر در این روایات

احتمال دیگری وجود دارد که در اینجا نوع اعمال مراد است، نه اینکه تک‌تک این اعمال مدنظر باشد. این احتمال بیشتر به ذهن می‌آید که خداوند در قبال اعمال شما مرزهایی قرار داده است. عدم تقیید کل شیء در این روایت امری است که چندان توسط فقها بدان پرداخته نشده است.

و سلمنا که مراد جزئیات اعمال باشد، در آنجا نیز می‌توان همان امر را گفت که بسیاری از اعمال مباح شمرده‌شده است.